

## نظام ارزش ها، شخصیت و تغییر

معرفت سال بیست و یکم - شماره ۱۷۹ - آبان ۱۳۹۱، ۷۹-۹۳

علی عیسی زادگان\*

چکیده

یافته های نظری نشان می دهد که نظام ارزشی به عنوان محوری ترین اعتقاد فرد تلقی شده و رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می دهد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین نظام ارزش ها، شخصیت و تغییر است. این بررسی با استفاده از روش مطالعه مروری و کتابخانه ای به سامان رسیده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که گشودگی به تجربه، سازگاری و مسئولیت پذیری از ابعاد پنج گانه شخصیت با ارزش ها بیشتر در ارتباط است. عوامل مهمی در تغییر ارزش ها مؤثرند که از جمله جهانی شدن، فردگرایی و نفوذ تفکر دوران مدرن است. بنابراین، پایه پای تغییرات در مناسبات زندگی فردی و اجتماعی در هنجارها و ارزش های ذهنی نیز تغییرات رخ می دهد. تعلیم و تربیت و یک نگاه بنیادین دینی در پرورش شخصیت می تواند در حفظ ارزش های بنیادین در مقابل تغییر مؤثر باشد.

کلیدواژه ها: نظام ارزش ها، شخصیت، تغییر، تعلیم و تربیت اسلامی.

\* استادیار گروه روان شناسی دانشگاه

[ali\\_issazadeg@yahoo.com](mailto:ali_issazadeg@yahoo.com)

ارومیه.

دریافت: ۱۳۹۱/۴/۶

پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### مقدمه

واژه «ارزش»<sup>۱</sup> در زبان فارسی از اسم مصدر «ارزیدن» و در معانی قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، و برآزندی آمده است. در فرهنگ لغت پیشرفته آکسفورد،<sup>۲</sup> ارزش ها به عنوانبورها درباره آنچه که درست و غلط بوده و آنچه که در زندگی مهم است تعریف شده است. ارزش ها در واقع، انعکاسی از نیازهای مادی و روانی انسان و تبلوری از وضعیت ارتباط متقابل و روابط اجتماعی هستند که به تعبیر گوناگون، از جمله احساسات عمیق و تعیین بخش رفتار، نگرش بنیادی ناظر بر اهداف، و ایده آل ها، نوعی الگوی اجتماعی و معیاری برای تنظیم رفتار محسوب می شوند.<sup>۳</sup> هنگامی که در مورد ارزش ها می اندیشیم بدین نتیجه می رسیم که همواره جهت های زندگی و تفکرمان را از دآوری هایمان نسبت به ارزش

ها تعیین می کنیم و آنچه را برتر است بر سایر گزینه ها ترجیح می دهیم و همان را برمی گزینیم.<sup>۴</sup> شناخت و بررسی عمومی ارزش ها را از حیث ایجاد و منشأ تکوین، ماهیت، نسبی یا مطلق بودن، عینی یا ذهنی بودن، فطری یا اکتسابی بودن، تاریخی یا غیرتاریخی بودن، منبع و مصادیق آن و مباحث دیگر «ارزش شناسی»<sup>۵</sup> می گویند که یکی از شاخه های فلسفه است.<sup>۶</sup>

ارزش ها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نیستند و در مجموعه ای جای دارند که به آن «نظام ارزشی»<sup>۷</sup> گفته می شود. این نظام به عنوان معیاری برای قضاوت درباره خود و دیگران، انتخاب های فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. اولویت هایی که افراد به ارزش ها می دهند، یکسان نیست. این اولویت ها

معمولاً متأثر از خلق و خو، شخصیت، تجربه های جامعه پذیری، تجربه های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است. در کل، ارزش ها در شمار درونی ترین لایه های شخصیت افراد بوده و شناخت دقیق هر فرد در گرو شناخت این ارزش ها و گرایش های ارزشی و هویتی اوست. هر یک از ارزش ها را می توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه خاص از رفتار یا هدف نهایی زندگی دانست که از نظر فردی یا اجتماعی در مقابل شیوه دیگری از رفتار یا هدف دیگری از هستی قابل ترجیح است.<sup>۸</sup>

همانند بسیاری از مفاهیم دیگر علوم اجتماعی، در خصوص تعریف ارزش ها توافق کاملی وجود ندارد. شوآرتز<sup>۹</sup> در نظریه خویش، ارزش ها را به دو بخش ارزش های جمعی و ارزش های فردی تقسیم می کند. ارزش های جمعی، ابعاد محافظه کاری و توجه به ماورای خود و ارزش های فردی تمایل به تغییر و تقویت خود (پیشبرد اهداف شخصی) را شامل می شود. ابعاد ارزشی تشکیل دهنده محافظه کاری و توجه به ماورای خود، که بیانگر ساختار سنتی اند، عبارتند از: امنیت، همنوایی، سنت، نوع پرستی و جهان روایی (رستگرباوری). ابعاد ارزشی تشکیل دهنده تقویت خود و تمایل به تغییر نیز که بیانگر ارزش های مدرن اند، شامل قدرت، موفقیت، لذت گرایی، برانگیختگی و خوداتکایی هستند. شوآرتز در سال ۱۹۹۲ در مقاله ای با عنوان «پیشرفت هایی در نظریه ارزش ها» نتیجه تحقیق خویش را درباره ساختار ارزش ها، مشتمل بر نمونه ای متشکل از معلمان و دانشجویان ۲۰ کشور منتشر ساخت. نتایج او نشان داد که مهم ترین ارزش ها در این ۱۳ کشور به ترتیب عبارت بودند از: خیرخواهی، خوداتکایی و رستگرباوری، امنیت و همنوایی. پنج نوع ارزش دارای اهمیت کم نیز به ترتیب عبارت بودند از: موفقیت، لذت گرایی، انگیزش، سنت و قدرت.

رویگرد «توسعه انسانی به ارزش ها» معتقد است که جهت گیری ارزشی در طول مراحل مختلف زندگی تغییر می کند. برای مثال، تحصیلات یک تجربه روبه رشد مهمی است که تأثیر زیادی بر ارزش ها می گذارد. عبدالفتاح<sup>۱۰</sup> نشان داده است کهپسران بیش از دختران به آزادی و استقلال اعتقاد دارند. در حالی که دختران با ارزش های خانوادگی و نظارت والدین به لحاظ عاطفی و اجتماعی سازگاری بیشتری دارند. نوربالا و همکاران<sup>۱۱</sup> در بررسی سلسله مراتب ارزش دانشجویان دانشگاه شاهد نشان دادند که سلسله مراتب ارزشی دانشجویان به ترتیب ارزش های دینی، اجتماعی، سیاسی، نظری، هنری و اقتصادی و متغیرهای جنس، دانشکده، خانواده، نوع دیپلم، شغل والدین و محل سکونت خانواده در اولویت های ارزشی دانشجویان تأثیر دارد.

به زعم شوآرتز<sup>۱۲</sup> ارزش ها به عنوان مفاهیممطلوب، اعمال انتخابی افراد و ارزیابی رویدادها را تحت تأثیر قرار می دهند. ارزش ها قضاوت ها را نیز تحت تأثیر قرار می دهند. بر اساس نظریه انطباق اجتماعی، ارزش ها یک نوع شناخت اجتماعی هستند که کارکردشان تسهیل انطباق فرد با محیط است. ارزش ها انتخاب رفتار را نیز تحت تأثیر قرار می دهند. بخشی از انتخاب رفتار در شرایط خاص توسط باورهای پیشین و ارزش ها تعیین می شوند.<sup>۱۳</sup> فیشبین و آگرتین<sup>۱۴</sup> رابطه باورها، نگرش ها و ارزش ها را به شکل زیر نشان می دهند:

$$\{A=Sbv\}$$

(باورها+ارزش ها) =مجموع=نگرش ها

هدف در ارزش از نوع مطلق است و صبغه وجودی دارد؛ بدین معنا که «باید این کار را انجام دهیم.» ارزش چارچوب نهایی ارزیابی های مختلف ماست و جهت، میل، گرایش و انواع رفتار ما را در موقعیت های مختلف تحت تأثیر قرار می دهد. این میل ها اگر به تحقق «من» منجر شود، به ارزش ها تبدیل شود. گفتنی است که تفکیک دقیق دو مفهوم ارزش و نگرش (گرایش) در حوزه علوم رفتاری، شبیه تفکیک میان ژن ها و کروموزم ها در حوزه زیست شناسی است.<sup>۱۵</sup>

بیلسکی<sup>۱۶</sup> و شوارتز تعریفی مفهومی از ارزش ها ارائه داده اند که پنج ویژگی رسمی ارزش ها را دربرمی گیرد: ارزش ها مفاهیم یا اعتقادات درباره رفتارها یا حالات مطلوب هستند که وضعیت های ویژه را برتر می کند؛ انتخاب یا ارزیابی از رفتار و رویدادها را هدایت کرده و به وسیله اهمیت نسبی شان مرتب می شوند. از این رو، به نظر می رسد رابطه مستقیم و مهمی بین ارزش و واکنش های افراد وجود دارد.

با عنایت به مطالب مطرح شده، سؤال اصلی این است که چه رابطه ای بین شخصیت و ارزش ها وجود دارد؟

سؤالات فرعی نیز از این قرارند: آیا تغییر الزامی است؟ و شکل گیری شخصیت چه نقشی در قبال تغییرات ایجادشده می تواند داشته باشد؟

به نظر می رسد باید رابطه بین سه متغیر ارزش ها، شخصیت و تغییر مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود در قبال تغییر در نظام ارزش ها شخصیت چه نقشی می تواند داشته باشد. رابطه سه متغیر به صورت مروری در حوزه روان شناختی و تربیتی مورد توجه زیادی قرار نگرفته است. از این رو، به نظر می رسد بررسی متغیرهای دخیل و میانجی در اثرات تعاملی متغیرها و نقش تعلیم و تربیت اسلامی در این خصوص از اهمیت بسیاری برخوردار باشد.

## ارزش ها و شخصیت

ارزش ها یکی از مهم ترین اجزای نظام فرهنگی در سطح کلان و نظام شخصیت در سطح خرد هستند. در یک تعریف، می توان شخصیت را الگوی ویژه ای از صفات، و یک صفت شیوه مداوم نسبی و قابل تمیز دانست که در یک فرد متفاوت از فرد دیگر است. بر اساس این تعریف، ارزش های یک فرد نیز یک زیرمجموعه از صفات است. اگر شخصیت را به مفهوم کلی آن، یعنی مجموعه صفاتی که با عث تشخیص یک فرد از افراد دیگر می شود، در نظر بگیریم، ارزش ها نیز مانند هوش و دیگر مظاهر تفاوت فردی، جزئی از شخصیت را تشکیل می دهد. اما تفاوت هایی بین صفات شخصیت و ارزش ها وجود دارد. صفات به عنوان توصیف هایی از الگوهای مشاهده شده در رفتار است، در حالی که ارزش ها ملاک هایی هستند که افراد برای قضاوت کردن مطلوبیت رفتار، افراد و رویدادها به کار می برند. صفات به طور نسبی ثابت اند، در حالی که ارزش ها متغیرند.<sup>۱۷</sup> ولی در اکثر تحقیقات، فرض شده که ارزش ها یک بار شکل می گیرند و در سرتاسر زندگی فرد ثابت باقی می مانند.<sup>۱۸</sup>

شوارتز بر این باور است که ارزش های شخصی یک طیف انگیزشی را تشکیل می دهد که در مجموع شامل ۱۰ نوع ارزش می شوند.

ارزش های ده گانه از لحاظ تعریف و گویه ها عبارتند از:

۱. پیشرفت: موفقیت شخصی که از طریق شایستگی مطابق با معیارهای اجتماعی مشخص می شوند؛ از جمله: جاه طلبی، باهوشی، احترام به خود، موفقیت، توانا، و اثرگذار.

۲. **خیرخواهی و حسن نیت:** حفظ و بهبود رفاه افرادی که غالباً با او تماس شخصی دارند؛ از جمله: زندگی روحانی، بخشش، کمک کننده، صادق، وفادار، عشق بالنده، معنی در زندگی، مسئول، و دوستی واقعی.

۳. **همنوایی:** خویشتن داری در اعمال، تمایلات و تکانه هایی که ممکن است منجر به آسیب به دیگران و زیر پا گذاشتن انتظارات یا هنجارهای اجتماعی شود؛ از جمله: اطاعت، نزاکت، خویشتن داری، و افتخار.

۴. **لذت گرایی:** ارضای لذت بخش برای خود شخص؛ از جمله: زندگی خوشایند، و لذت.

۵. **قدرت:** موقعیت و شهرت اجتماعی، کنترل یا تسلط بر افراد و منابع؛ از جمله: اقتدار، حفظ تصویر عمومی، قدرت اجتماعی، بازشناسی اجتماعی، و ثروت.

۶. **امنیت:** ایمنی، سازگاری و ثبات اجتماعی، ثبات در روابط و ثبات در خویشتن؛ از جمله: تمیزی، امنیت خانوادگی، سلامتی، امنیت ملی، پشتیبانی متقابل، حس تعلق، و نظم اجتماعی.

۷. **خوداتکایی:** تفکر مستقل و انتخاب عمل، خلق کردن، کشف کردن؛ از جمله: انتخاب اهداف شخصی، خلاقیت، کنجکاوی، و آزادی استقلال.

۸. **برانگیختگی:** انگیزختگی، تازگی و چالش در زندگی؛ از جمله یک زندگی محرک، زندگی متغییر، و تازگی.

۹. **سنت:** احترام، تعهد و پذیرش آداب و رسوم و ایده هایی که فرهنگ سنتی یا مذهب مهیا می سازد؛ از جمله: پذیرش قسمت در زندگی، فاصله، مذهبی/متدین، متواضع، میانه رو، و احترام برای سنت.

۱۰. **رستگاربوری:** فهم، ادراک، تحمل، حفاظت از سلامتی و رفاه برای همه مردم و برای طبیعت؛ از جمله: یک دنیای زیبا، ذهن وسیع، حفاظت از محیط، عدالت اجتماعی، اتحاد با طبیعت، و خرد.

ده ارزش و مؤلفه مطرح شده در بالا، چه ارتباطی با شخصیت می تواند داشته باشد؟ در این بخش، به پژوهش های انجام شده در این خصوص اشاره می شود. روکیچ صفات شخصیتی را به عنوان پیشاینده ارزش ها در نظر می گیرد.<sup>۱۹</sup> لاک و بوند<sup>۲۰</sup> در بررسی رابطه بین ابعاد شخصیت (گشودگی به تجربه، سازگاری، مسئولیت پذیری، برون گرایی و روان رنجوری) و ارزش ها در بین دانشجویان چینی نشان دادند که سه بعد گشودگی به تجربه، سازگاری و مسئولیت پذیری بیشتر با ارزش های شخصی رابطه دارد. «گشودگی به تجربه»، با خودتعالی و رستگاربوری، خوداتکایی در مقابل پیشرفت، قدرت و همنوایی، و «سازگاری» با خودتعالی، ارزش های نیکوکاری، رستگاربوری، همنوایی و سنت، و «مسئولیت پذیری» به طور مثبتی با ارزش های همنوایی در مقابل لذت گرایی و خوداتکایی رابطه دارد. هیرینجر<sup>۲۱</sup> همچنین یافته که «گشودگی به تجربه» یک اثر معناداری بر روی نشانگرهای ارزش تداعی شده با رستگاربوری در مقابل همنوایی دارد و «مسئولیت پذیری» با حفاظت، و خودتعالی و «سازگاری» نیز با خودتعالی رابطه دارد. دولینگر و همکاران<sup>۲۲</sup> یافتند که بعد «گشودگی به تجربه» به طور مثبتی با خودتعالی و رستگاربوری و خوداتکایی در مقابل لذت گرایی، قدرت، امنیت و همنوایی و «سازگاری» به طور مثبتی با نشانگرهای خودبهبودی و حفاظت (پیشرفت و امنیت در برابر تخیلی یا خوداتکایی) رابطه دارد. روبرت و روبینز<sup>۲۳</sup> نشان دادند نشانگرهای رستگار باوری بهطور مثبتی با گشودگی به تجربه و سازگاری، احسان و نیکوکاری به طور مثبتی با سازگاری در ارتباط است.

یک و تانک<sup>۲۴</sup> یک رابطه مثبت بین پایداری هیجانی و سنت، گشودگی و لذت گرایی، و در برابر، یک همبستگی منفی با احسان و نیکوکاری و امنیت گزارش کرده اند. روکاس و همکاران،<sup>۲۵</sup> دریافتند که ارزش های رستگاربوری، خوداتکایی، تحریک با گشودگی به تجربه ارتباط مثبت دارد. سایر ارزش ها امنیت، قدرت، همنوایی، سنت با گشودگی به تجربه همبستگی منفی داشتند. نیکوکاری، همنوایی، و سنت با سازگاری نیز رابطه مثبت داشتند، در حالی که جهت مند به خود، برانگیختگی، لذت گرایی، پیشرفت و قدرت به طور منفی با سازگاری ارتباط داشتند. نتایج حاصل از مطالعات در کل چنین نشان می دهد که گشودگی به تجربه، سازگاری و مسئولیت پذیری (از ابعاد پنج گانه شخصیتی) با ارزش ها بیشتر در ارتباط است. در مورد دو صفت برون گرایی و روان رنجوری ثبات کمتری در مطالعات بود.

## نظریه نظام وارِه<sup>۲۶</sup>

بر اساس این نظریه، شخصیت یک نظام وارِه سازمان یافته به صورت سلسله مراتبی یا یک نظام روان شناختی کلی است که شش نظام حسی، حرکتی، شناختی، هیجانی، سبک و ارزش را شامل می شود. ارتباط بین این نظام وارِه ها بدین صورت است که نظام حرکتی اطلاعات را به نظام های عاطفی و شناختی ارسال می کند و نظام شناختی که اطلاعات را از نظام حسی دریافت کرده است، در سه قالب ادراکی، مفهومی یا نمادین پردازش می کند. نظام شناختی با نظام های عاطفی، سبک و ارزش نیز در تعامل است. نظام عاطفی که اطلاعات را از نظام حسی دریافت کرده، حالت انگیزتی ارگانسیم را تنظیم می کند و در عین حال، با نظام شناختی، سبک و ارزش ها نیز در تعامل است.

نظام سبک، اطلاعات را از نظام شناختی و عاطفی دریافت می کند. این اطلاعات مطابق با یک سبک شناختی خاص که می تواند تجربی، عقلانی یا استعاره ای باشد تلفیق و یکپارچه می شود. نظام سبک با نظام ارزش و فرانظام وارِه یعنی شخصیت نیز در تعامل است. نظام ارزش اطلاعات را از نظام های شناختی و عاطفی نیز دریافت می کند. این اطلاعات مطابق با سه جهت مندی ارزشی درونی، جهت مند به خود و جهت مندی از لحاظ اجتماعی یکپارچه می شود. نظام ارزش همچنین با نظام سبک و در نهایت، تلفیق کننده این شش بعد، یعنی شخصیت، ارتباط پیدا می کند. در این رویکرد، نظام شخصیت با نظام شناختی، و نظام عاطفی همچنین با نظام های سبک و ارزش در حال تعامل است. اطلاعات دریافت شده از این شش زیرسامانه، «جهان بینی فرد، تصور از خود و سبک زندگی» را شکل می دهند. از این منظر، این سه عامل را می توان به عنوان عوامل اصلی شکل دهنده شخصیت در نظر گرفت؛ چراکه نوع فکر، هیجان و رفتار را که سه مؤلفه اصلی شخصیت هستند تحت تأثیر قرار می دهند.

نظام روانی یکپارچه و تلفیق کننده، یعنی شخصیت، شامل جهان بینی، تصویر از خود و فلسفه زندگی است. این سه بعد شخصیتی به عنوان ساختارهای درجه اول محسوب می شوند که تعامل و فعالیت شش نظام شخصیتی را یکپارچه می کنند. این سه عامل «معنای شخصی فردی»<sup>۲۷</sup> را شکلمی دهند. بر اساس این دیدگاه، می توان گفت: افراد بر اساس همین «معنای شخصی فردی» در مقابل رویدادها پاسخ می دهند. هر فرد دلسوز فرهنگی که در پی علل تغییر رفتار افراد است باید در پی بررسی و شکل گیری این عامل اصلی باشد. به نظر می رسد اگر بخواهیم جنگ نرم افزاری را تحلیل کنیم، این جنگ نرم بیشتر در پی آسیب زدن به این عامل است. سبک زندگی یا فلسفه زندگی ساختاری است برتر که با نظام ارزش در تعامل است و هم بر نظام عاطفی به طور مستقیم و بر نظام حرکتی به طور غیرمستقیم تأثیر می گذارد.

مفهوم «خود» محصول تعامل بین نظام وارِه های سبک و ارزش است. در این خصوص، سه مفهوم خود را می توان مطرح کرد: الف) خودپنداره محقق<sup>۲۸</sup> که هدف، رسیدن به مهارت است و ترکیبی است از سبک شناختی عقلانی و جهت مندی ارزش معطوف به فعالیت درونی؛ ب) خودپنداره تعاملی - پدیداری<sup>۲۹</sup> که ریشه در ترکیبی از سبکشناختی - تجربی و جهت مندی ارزش به طور اجتماعی دارد و هدف نهایی چنین فردی همخوانی اجتماعی است؛ ج) خودپنداره روبه رشد به طور متعالی که

ترکیبی از سبک شناختی و استعاره ای بوده و جهت مندی ارزش معطوف به خویشتن است هدف نهایی چنین فردی رشد خویشتن روحانی است. این سه بعد درجه اول شخصیت (دیدگاه فرد نسبت به دنیا، سبک زندگی و مفهوم خود) سؤالاتی در خصوص سرنوشت، خاستگاه هستی، ارزش مرگ، زندگی و چیستی حقیقت را تحت شعاع قرار می دهند.

بر اساس این دیدگاه، راه شناخت افراد این است که به عالم اعتبارات و ارزش های آنها وارد شده و در پی فهم این موضوع باشیم که هر رفتار فردی به دنبال چه باید و نیایدی است. هر رفتاری از انسان، گویی لفظی است که از او صادر می شود و باید به دنبال معنای آن گشت. یک عین داریم و یک ذهن، و به نظر می رسد معنای ظاهر را باید در باطن جست و جو کرد. یک ظاهر ممکن است ده گونه باطن داشته باشد. این تفاوت هویات، همه در گرو تفاوت نیات و اعتبارات است. بدون نظام واره ارزشی، فرد نمی تواند بفهمد که چه چیزی می خواهد، و حتی نمی توان فهمید که او واقعا چه می خواهد.

## عوامل مؤثر بر تغییر ارزش ها

تغییر ارزش ها همیشه یک فرایند است و گاه حرکت این فرایند تند و گاه کند است. تضاد ارزشی مرحله ای از این فرایند است که با مقابله نظام جدید و قدیم شروع می شود؛ اما سرانجام، با تغییر ارزش ها و تثبیت نظام ارزشی جدید و یا دست کم، خنثا کردن تأثیر نظام ارزشی قدیم، پایان می یابد. اما در صورتی که بعد از رسیدن به یک نقطه جدید توقف نکند و تثبیت نشود جامعه را گرفتار عدم تعادل می کند. مهم ترین تلاش در جهت ارائه یک نظریه منسجم تغییر ارزش ها مربوط به *اینگلهارت*<sup>۲۰</sup> است. او در سه دهه گذشته نظریه ای درباره تغییر ارزش ها پیشنهاد کرد که براساس آن، اولویت های ارزشی در جوامع صنعتی از توجهات مادی گرایانه درباره اقتصاد و امنیت فیزیکی به تأکید بیشتر بر آزادی خوداظهاری و کیفیت زندگی با ارزش های فرامادی گرایانه تغییر جهت یافته است. آموزه تغییر ارزش ها نشان می دهد که تغییر اولویت های ارزشی از اولویت های مادی گرایانه به فرامادی گرایانه بالقوه یک روند جهانی است. *اینگلهارت* در مورد تغییر ارزش ها در مراحل مختلف مدرنیزاسیون معتقد است که صنعتی شدن باعث تغییر ارزش های سنتی به ارزش های سنتی سکولار - عقلانی می شود. بعد سنتی سکولار - عقلانی ارزش ها منعکس کننده تباین بین جوامعی است که مذهب در آنها بسیار مهم است و جوامعی که مذهب در آنها مهم نیست. در پژوهشی در داخل کشور، با این پرسش که «آیا اولویت های ارزشی مادی به فرامادی تغییر یافته است یا نه؟» با جمع آوری از نمونه ای به تعداد ۲۵۳۲ نفر در کل کشور، به این نتیجه رسیدند که در بین پاسخ گویان ۴۰/۲ درصد ارزش های التقاطی، ۵۲ درصد ارزش های مادی و ۸ درصد ارزش های فرامادی است. نسل جوان در مقابله با نسل مابین و میانی بیشتر فرامادی است تا مادی.<sup>۲۱</sup> در پژوهشی، تأثیر مدرنیته بر دین داری دختران جوان ۲۰ تا ۲۹ ساله منطقه یک و شش و نوزده شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. پنج بعد دین داری شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و آگاهی و هفت بعد نوگرایی یعنی جهت گیری عام گرایانه، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری پیشرفت، جهت گیری مدنی و جهت گیری دموکراتیک، برای سنجش نوگرایی به کار رفت. نتایج نشان داد که ابعاد مختلف نوگرایی ارتباط متفاوتی با دین داری و ابعاد آن دارد. براساس یافته ها، با افزایش جهت گیری علمی، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه و دموکراتیک دختران جوان، اعتقادات دینی ایشان کاهش می یابد و با افزایش عام گرایی دختران جوان، میزان دین داری ایشان افزایش می یابد. در کل، نتایج این تحقیق نشان می دهد که با افزایش نوگرایی میزان دین داری افراد در ابعاد پیامدی و مناسکی کاهش می یابد.<sup>۲۲</sup> مدرنیته پیام آور فردگرایی و تکیه بر عقل خودبنیاد بشری است که در عرصه دین داری منجر به شکل گیری گرایش های فردی و ذهنی در رابطه با احساس دینی می شود. دوران مدرن را دوران حکومت و نفوذ تفکر «خودت انتخاب کن» در موضوع دین دانسته اند.<sup>۲۳</sup> بر این مبنا، تغییرات در مناسبات زندگی فردی و اجتماعی افراد همگام با تغییرات در هنجارها و ارزش های ذهنی رخ می دهد. ارزش ها و هنجارهای دینی به صورت ناخودآگاه در لایه های عمیق ذهنی افراد هر جامعه ای حاضر است و گرایش ها و کنش های ایشان را هدایت می کند. به عبارت دیگر، می توان از بازتولید هنجارهای دینی تحت تأثیر وضعیت نوین اجتماعی سخن گفت و نه غیردینی شدن افراد. اگرچه منزلت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ارتباط معناداری با سنخ دین داری مناسک گرایانه دارد، اما در بلندمدت ترویج

اخلاق اقتصادی خاص در نهایت منجر به شکل‌گیری روحیه خاصی می‌شود که همین امر در بازتفسیر مجدد آموزه‌های مذهبی تأثیر مستقیم دارد. در نسل آینده تغییر در ترکیب بندی ارزش‌های مذهبی امری ناگزیر است.<sup>۲۴</sup> در خصوص این مورد باید از تأثیر فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و رابطه آن با دین‌داری و ارزش‌های دینی نیز سخن گفت. در نظر بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از جنبه‌های مهم جامعه مدرن غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی است که تغییراتی را هم در حوزه آگاهی و هم در حوزه کنش افراد به وجود می‌آورد. همراه با فردگرایی و عقلانیت ملازم با آن، بسیاری از ارزش‌های جامعه نیز از شکل یقینی خود خارج می‌شود و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، ارزش‌ها در نبود تأیید دایمی اجتماعی و بازاندیشی مداوم خصلت قطعی و بدیهی خود را از دست می‌دهد و از نگرش متنوع افراد تأثیر می‌پذیرد. این خصوصیت، انسان مدرن را در شرایط دوگانه قرار می‌دهد که از یک سو، با قایل شدن حقوق فردی به او آزادی اعطا شده، ولی از سوی دیگر، با از بین رفتن آرامش موجود، فرد را با اضطراب و عدم امنیت مواجه می‌کند. همان‌گونه که هویت فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد، رابطه فرد با دین نیز دستخوش تغییراتی می‌شود. در یک بررسی در خصوص فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری در یک نمونه ۲۷۸ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران مشخص شد که علی‌رغم تسلط خصلت‌های جمع‌گرایانه، گرایش‌های فردگرایانه نیز به همان شدت در بین این قشر موجود است. در بین این گروه، ابعاد اعتقادی و تجربی دین نسبت به ابعاد دیگر از میزان پذیرش بیشتری برخوردار بود. فردگرایی با بعد تجربی دین‌داری و شاخص بازاندیشی در دین روابط قوی تری را نشان داد.<sup>۲۵</sup> از لحاظ نظری، ارزش‌ها و دین‌داری به طور قابل ملاحظه‌ای به همدیگر مربوط هستند. رابطه بین مذهب و ارزش ممکن است غیرمستقیم باشد. به نظر می‌رسد شخصیت، افراد را آماده می‌کند که مذهبی باشند یا مذهبی باقی بمانند و جالب اینکه ارزش‌ها نیز تفاوت‌های شخصیتی را منعکس می‌کنند. به هر حال، به نظر می‌رسد ارزش‌ها پیش‌بینی‌کننده قوی تری برای دین‌داری از صفات شخصیتی باشند. پژوهش نشان می‌دهد دین‌داری به طور مثبتی با ارزش‌های سنت و همنوایی و در یک زمینه‌ای کمتر با ارزش‌های امنیت، احسان و نیکوکاری و به طور منفی با لذت‌گرایی، برانگیختگی و خوداتکایی رابطه دارد.<sup>۲۶</sup>

## مبانی اسلامی در تربیت ارزش‌ها

ارکان اصلی شکل‌دهی به هویت اجتماعی یک جامعه عبارتند از باورها (= جهان‌بینی)، ارزش‌ها (= ایدئولوژی)، و سبک زندگی (= نظام ترجیحات رفتاری). تمایزات و تفاوت‌های جوامع مختلف نیز به همین سه مؤلفه عمده بازگشت می‌کند. لایه رویین و آشکار هویت یک جامعه، سبک زندگی آن است. هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند ثمره و محصول جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی افرادش متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل یافته باشد. در شکاف میان ارزش‌ها و سبک زندگی، عامل مهم، عامل شناختی است؛ یعنی بسیاری از افراد جامعه چون آگاهی لازم از آداب و سبک زندگی اسلامی ندارند، در شیوه رفتاری و سبک سلوکی خود آنها را به کار نمی‌گیرند. چگونگی رفتار ظاهری انسان نمادی است از نوع تفکر و علاقه او. با توجه به اهمیت آداب و نمادها و توانایی ویژه آداب و سبک‌های زندگی در انتقال باورها و ارزش‌ها تلاش برای اظهار آداب و ابراز شعایر، بزرگداشت آنها و محافظت از آنها ضروری است. سبک زندگی نظام‌واره و نظام‌خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد.

وجود انسان دارای سه لایه یا سه بعد عقلی (ساحت آگاهی و اندیشه)، قلبی (ساحت انگیزه و گرایش) و طبیعت (ساحت عمل) است. این سه لایه با یکدیگر ارتباط دارند و بر هم اثر می‌گذارند. بسیاری از تزلزل‌های اعتقادی یا گرایش‌های انحرافی انسان منشأ عملی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم: ۱۰)؛ سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می‌نمودند.<sup>۲۷</sup> انسان‌ها باید بخواهند، بیسندند تا بیافرینند. نقادی، بستر ثابت ارزش‌های نامجاز است. مرکب تصمیم‌ها به تازیه‌ها ارزش‌ها رانده می‌شود و فرد از ارزش‌ها توان و انگیزش می‌گیرد. پروردن عالمان واقف به شرع و مسلط بر

معارف و اندیشه های خالص دینی، انسان شناسی مذهبی را می طلبد. تنها مکتب نظام تربیتی که توانسته انسان را به درستی با تمام زوایای وجودش و با همه توانایی ها و قابلیت هایش تبیین و تعریف کند، مکتب حیات بخش اسلام و آموزه های قرآنی و روایی است. در خصوص تربیت ارزش ها، علم و عقل و دین مهم هستند.<sup>۳۸</sup>

به نظر می رسد تغییر در شرایط با تغییر در ارزش ها در ارتباط باشد. اکسس و دیگران<sup>۳۹</sup> دریافتند که تغییر در شرایط مدرسه، خانه و شرایط رشدی نوجوانان به تغییر در عقاید، ارزش ها، انگیزه ها و رفتارهای نوجوانان منجر می شود. شیخی<sup>۴۰</sup> نشان داد که بین نظام ارزش های معلمان و دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته نشان می دهد معلمان چهار درس فارسی، ریاضی، زیست شناسی و دینی به عنوان معلمان حساس در انتقال ارزش ها نقش اساسی دارند. آموزش و درونی شدن ارزش ها همواره بخش مهمی از اهداف نظام تربیتی است و درونی شدن ارزش ها از طریق فرایند جامعه پذیری اتفاق می افتد و نیز در فرایند جامعه پذیری دانش آموزان، اولیا و مدارس، به ویژه دبیران به عنوان مهم ترین گروه های مرجع دانش آموزان، نقش قابل ملاحظه ای دارند و از آن رو که وجود تفاوت بین نظام ارزش های دانش آموزان و دبیران آنها بدون تردید، فرایند تعلیم و تربیت را با اختلال مواجه می کند، بنابراین، باید به شناخت علمی گرایش های ارزشی دانش آموزان و دبیران آنها دست یافت و از اطلاعات به دست آمده در سیاست گذاری برنامه های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی دانش آموزان و دبیران مدارس سود جست.

یک اصل تربیتی که همه دست اندرکاران طرح های آموزش و پرورش باید پیش روی خود داشته باشند این است که تربیت باید همواره با ارزش ها، ایده انسانیت و با کل سرنوشت انسان سازگار باشد.<sup>۴۱</sup> ارزش ها بر مبنای نیازها شکل می گیرد که البته این نیازها، نیازهای روان شناختی هستند. نیازهای روان شناختی در عمق وجود انسان قرار دارند و از این رو، فطری هستند. درونی کردن به فرایندی اشاره دارد که فرد از آن طریق، ارزشی را که قبلاً به صورت بیرونی تجویز شده است به ارزش درونی تبدیل کند. درونی کردن به عنوان یک فرایند، گرایش فرد را به پذیرفتن داوطلبانه ارزش ها و ادغام کردن آنها در «خود» نشان می دهد. برای اینکه درونی کردن روی دهد، فرد باید در توصیه های دیگران ارزش، معنی و فایده را ببیند.<sup>۴۲</sup>

ارزش های انسانی از دیدگاه اسلامی عبارتند از: عبادت، خدمت به خلق، آزادی، عشق، عقل، محبت و انواع دیگر ارزش ها.<sup>۴۳</sup> انسان در کل طبیعتی تربیت پذیر دارد. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹ و ۱۰)؛ کسی که نفس را پیراست قطعاً رستگار شد و هر که آلوده اش ساخت قطعاً در باخت. «بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین: ۱۴)؛ بلکه اعمال آنان همچون زنگاری بر دل هایشان نشسته است. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ظاهر و باطن انسان از یکدیگر وجود دارد. توضیح اینکه رفتار و گفتار و اعمال ظاهری آدمی پیوسته بر باطن او تأثیر می گذارد و چون مکرر انجام شد، ملکات و خصلت هایی را در درون وی مستقر می سازد. البته باورها، اندیشه ها و نیت ها نیز در پیدایش اعمال ظاهری و رفتار و گفتار نقش بنیادین دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَبْصُرْكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائده: ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان بپردازید و مراقب خود باشید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کسی که گمراه شده است به شما زبانی نمی رساند. در آیه شریفه، سخن از این است که انسان هدایت یافته این توانایی را دارد که در برابر شرایط و موقعیت های ناسالم و گمراه کننده ایستادگی کند و استوار و نستوه رنگ نپذیرد، بلکه بر آن شرایط تأثیرگذار باشد و موقعیت ها را تغییر دهد و با خلاقیت و ابتکار به صورت فعال با عوامل گمراهی برخورد کند.<sup>۴۴</sup>

## نتیجه گیری

اکنون در مرحله ای از زندگی بشر هستیم که یک فرد در طول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی و دستاوردهای تکنولوژیک مربوط به زندگی مادی انسان رخ داده، بلکه تغییرات گسترده ای در عرصه زندگی غیرمادی انسان، باورها، اعتقادات، ارزش ها، هنجارها و... نیز به وقوع پیوسته است. یکی از این تغییرات اساسی،



تغییر در ارزش هاست. نظر بر این است که جوامع انسانی سه جهت اصلی از تغییر اجتماعی را تجربه می کنند؛ توسعه اجتماعی اقتصادی، تغییر ارزش ها و تغییر سیاسی. همه شاخه ها به طور همزمان رخ می دهند و معمولاً با یکدیگر همراه هستند. درجه ثبات در نگرش ها، ترجیحات، ارزش ها و ویژگی های شخصیت متفاوت است. ارزش ها به عنوان یکی از جنبه های مرکزی شخصیت از نگرش ها و ترجیحات ثابت تر است. در میان ارزش ها، آنهایی که بیشتر با مفهوم «خود» پیوند خورده اند مرکزی تر هستند یا دارای اهمیت بیشتری می باشند. بنابراین، ارزش ها در برابر تغییر مقاوم ترند.

به طور کلی، دو دسته نظریه را می توان در ادبیات مربوط به تغییر ارزش ها مشخص نمود: دسته اول، نظریه های سطح خرد هستند که عمدتاً مربوط به روان شناسی و روان شناسی اجتماعی می باشند. دسته دوم، نظریه های سطح کلان هستند که مربوط به جامعه شناسی می باشند. در سطح خرد، تغییر ارزش ها، روندی آگاهانه در پاسخ به فشارهاست. نظریه نظام های نمادین روکیچ ادعای می کند که تغییر ارزشی نتیجه ناسازگاری در نظام شخصیت فرد است. براساس نظریه ناسازگاری شناختی، احساس نارضایتی از خود منجر به ناسازگاری شناختی می شود که این امر، تغییرات بلندمدت در ارزش ها را به دنبال دارد. براساس نظریه یادگیری اجتماعی، افراد سعی می کنند ارزش های خود را مطابق با الگوها و گروه های مرجع تغییر دهند. برخی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش ها در سطح کلان، شامل جهانی شدن و تغییر ارزش ها، نظام های سیاسی و مدرنیزاسیون است.

ارزش های اجتماعی در جوامع مختلف در حال تغییر هستند، هرچند که نمی توان الگوی عامی را برای این تغییرات پیدا کرد. نوع شناسی تغییرات ارزشی در دو بعد ارزش های بقای خوداظهاری و سنتی / سکولار - عقلانی، نشان از این امر دارد که کشورهای مختلف، درجات مختلف تغییرات ارزشی را تجربه کرده اند. بنابراین، تغییرات ارزشی بنابه مقتضیات خاص هر کشور در سطح کلان و سطح خرد می تواند درجات مختلفی داشته باشد. ارزش های بقا/ خوداظهاری عمدتاً خصلتی فردی، و ارزش های سنتی/سکولار - عقلانی خصلتی فرهنگی دارد. از این رو، تغییر ارزش های بقا/خوداظهاری آسان تر و سریع تر از ارزش های سنتی سکولار - عقلانی است. در سطح خرد، اولویت های ارزشی هر فرد بازتابی از شرایط وجودی موجود به علاوه شرایط وجودی قبل از بزرگسالی فرد است و در ترکیب این دو در کل، اولویت های ارزشی فرد را تشکیل می دهد.

رشد شخصیت و تحکیم هویت و نظام ارزشی ملی و دینی و انسانی دانش آموزان در کشور، مهم ترین وظیفه تربیتی آموزش و پرورش است. تعلیم و تربیت در ایران اسلامی اگر بخواهد به نظام ارزشی کودکان و جوانان اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر فعلی آماده کند. بررسی تحولات جهان در نیم قرن اخیر نشان می دهد که تغییرات بسیار عمیق در باورها و ارزش ها و سبک زندگی مردم جهان به وقوع پیوسته است و گسترش جهانی این تغییرات همواره دامنه و شدت بیشتری می یابد. برای اینکه مهارت های مشترک شهروندی متناسب با هویت فرهنگی و دینی در بین دانش آموزان شکل بگیرد، آنان باید با تمام میراث فرهنگی و هویت دینی و انسانی خود آشنا باشند. ما نیازمندیم که فهم خود از فلسفه تعلیم و تربیت و مناسب سازی آن با زندگی در عصر حاضر و به تبع آن، برنامه های آموزشی و درسی و کتاب های درسی و روش های تدریس و تربیت معلم را نیز بازنگری کنیم. باید خودمان به تفکر نقاد و حل مسئله و تفکر مراقبت کننده مجهز شویم و همچنین دانش آموزان را با این نوع تفکر تربیت کنیم و به آنان بیاموزیم که با یادگیری تفکر منطقی و تعمقی و نقاد می توانند تصمیم بگیرند که چه چیزهایی را باور کنند و چه چیزهایی را باور نکنند. باید تحلیل را به آنها یاد بدهیم نه صرف تأیید و یا تکذیب را. نیز باید مهارت ها را به دست آورد؛ یعنی تبدیل علم به عمل. همچنین باید یاد بدهیم باور کردن دیدن است نه دیدن باور کردن. به نظر می رسد سه نهاد خانه، مدرسه و جامعه در خصوص ارزش باید یک دست عمل کنند. پویایی ارتباط، ارتباط افقی است نه عمودی و البته ارتباط با تماس فرق دارد؛ باید با دانش آموزان ارتباط داشته باشیم.

۱. value.

۲. A.S. Hornby, *Oxford Advanced Learner Dictionary*, p. ۱۴۳۵.

۳- سیروس قنبری و همکاران، «مقایسه نظام ارزشی دبیران با دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره هفتم، ش ۱، ص ۳۰.

۴- مجید اکبری و سیدمحمد حسینی، «ارزش‌شناسی در فلسفه ارسطو»، *آینه معرفت*، سال هفتم، ش ۲۰، ص ۹۶.

۵. Axiology.

۶- محسن ایمانی و محمداسماعیل بابایی، «ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی: با تأکید بر اهداف اصول و روش‌ها»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۷، ص ۸۴.

۷. value system.

۸- حسین لطف‌آبادی، «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان» *نوآوری‌های آموزشی*، سال پنجم، ش ۱۷، ص ۱۸.

۹. S.H. Schwartz, *A Theory of Cultural Values and Some Implications for Work*, Applied Psychology: An International Review, ۴۸, p. ۲۳-۴۷.

۱۰. Y. Abdel-Fattah, "Child Perception and Parental Care: Social Adjustment and Moral Values", *The Social Sciences Journal*, ۲۰, p. ۳-۴.

۱۱- احمدعلی نوربالا و همکاران، «بررسی سلسله‌مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه شاهد طی سال‌های ۷۷-۸۰»، *دانش‌سور رفتار*، سال چهاردهم، ش ۲۲، ص ۸۳-۱۰۸.

۱۲. S.H Schwartz, "Universals in the Content and Structure of Values: Theoretical Advances and Empirical tests in ۲۰ Countries", *Advances in Experimental Social Psychology*, N. ۲۳, p. ۱-۶۵.

۱۳. P.M. Homer & L.R Kahle, "A Structural Equation test of the Value-Attitude-Behavior Hierarchy", *Personality Processes and Individual Differences*, N. ۵۴, p. ۶۳۸-۶۴۶.

۱۴. M. Fishbein & I. Ajzen, *Belief, Attitude, Intention, and Behavior: an Introduction to theory and Research*, MA: Addison Wesley.

۱۵- عبداللطیف محمدخلیفه، *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*، ترجمه سیدحسین سیدی، ص ۶۱.

۱۶. W. Bilsky, & S.H. Schwartz, "Values and Personality", *European journal of Personality*, N. ۳۰, p. ۱۶۳-۱۸۱.

<sup>۱۷</sup>. Ibid.

<sup>۱۸</sup> - منصور وثوقی و حسین اکبری، «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها: یک مطالعه تطبیقی»، *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری*، ش ۵۹، ص ۹۳-۱۲۸.

<sup>۱۹</sup>. M.J. Oliver & T.A Mooradian, "Personality traits and Personal Values: A Conceptual and Empirical Integration", *Personality and Individual Differences*, N. ۳۵, p. ۱۰۹-۱۲۵.

<sup>۲۰</sup>. C.L Luk, & M.H Bond, "Personality Variation and Values Endorsement in Chinese University Students", *Personality and Individual Differences*, N. ۱۴, p. ۴۲۹-۴۳۷.

<sup>۲۱</sup>. L.G Herrerger, "Relating Values and Personality traits", *Psychological Reports*, N. ۸۳, p. ۹۵۳-۹۵۴.

<sup>۲۲</sup>. S.J Dollinger, F.L Leong & S.K Vlicini, "On traits and Values: with Special Reference to Openness to Experience", *Journal of Research in Personality*, N. ۳۰, p. ۲۳-۴۱.

<sup>۲۳</sup>. B.W. Roberts & R.W Robins, "Broad Disposition Broad Aspiration: the Intersection of Personality and Major life Goals", *Personality and Social Psychology Bulletin*, ۲۶, p. ۱۲۸۴-۱۲۹۶.

<sup>۲۴</sup>. M.S.M Yik & C.S Tang, "Linking Personality and Values: the Importance of a Culturally Relevant Personality Scale", *Personality and Individual Differences*, N. ۲۱, p. ۷۶۴-۷۷۴.

<sup>۲۵</sup>. S. Roccas, L. Sagiv, S.H Schwarts, & A. knato, "The Big five Personality Factors and Personal Values", *Personality and Social Psychology Bulletin*, N. ۲۸, p. ۷۸۹-۸۰۱.

<sup>۲۶</sup>. System theory.

<sup>۲۷</sup>. Individual Personal Meaning.

<sup>۲۸</sup>. Achieving self-concept.

<sup>۲۹</sup>. Phenomenal-interactive.

<sup>۳۰</sup>. R Inglehart & C,F Scott, "Value Change in Industrial Societies", *The American Political Science Review*, ۸۱, p. ۱۲۸۹-۱۳۱۹.

<sup>۳۱</sup> - فاطمه نوروزی، «شکاف نسلی از لحاظ ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران مطالعه موردی دبیرستان‌های شهر جهرم»، *پیک نور*، سال هشتم، ش ۱، ص ۳۰-۴۳.

۳۲- مرضیه سادات موسوی و فاطمه سادات علمدار، «بررسی رابطه نوجوانی و دین‌داری: مطالعه در بین دختران جوان منتخب از مناطق (۱۹۶۰ شهر تهران)»، *زن و مطالعات خانواده*، سال اول، ش ۴، ص ۱۵۹-۱۸۸.

۳۳- همان، ص ۱۶۳.

۳۴- تقی آزادارمکی و سیدمهدی اعتمادی فرد، «پایگاه خانوادگی سنخ‌های دین‌داری و کیفیت ارزش‌های مذهبی در ایران»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۴، ص ۱-۲۳.

۳۵- منصوره اعظم آزاده و عاصفه توکلی، «فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۹، ص ۱۰۱-۱۲۵.

۳۶. V Saroglou, V. Delpierre, R. Dernelle, "Values and Religiosity: A Meta-Analysis of Studies Using Schwartz Model", *Personality and Individual Differences*, N. ۳۷, p ۷۲۱-۷۳۴.

۳۷- احمدحسین شریفی، همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی، ص ۱۴.

۳۸- محمد بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ص ۵۳.

۳۹. J.s.Eccles, A. Wigfield, C.A.Flanagan, C. Miller, "Self-Concepts, Domain Values, and Self-Esteem: Relations and Changes at Early Adolescence", *Journal of Personality*, N. ۵۷, p. ۲۸۳-۳۱۰.

۴۰- ر.ک: شهرزاد شیخی، بررسی رابطه نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموزان در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر شیراز.

۴۱- محمود اکرامی، «ارزیابی نظام ارزش‌های اساتید و دانشجویان در دانشگاه شاهد»، *دانشور رفتار*، سال شانزدهم، ش ۳۹، ص ۳۱-۴۴.

۴۲- جان مارشال ریو، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۱۱۸.

۴۳- مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۴۳.

۴۴- محمد بهشتی، همان، ص ۱۳۶.

## منابع

- آزادارمکی، تقی و سیدمهدی اعتمادی فرد، «پایگاه خانوادگی سنخ‌های دین‌داری و کیفیت ارزش‌های مذهبی در ایران»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱-۲۳.

- اعظم آزاده، منصوره و عاصفه توکلی، «فردگرایی، جمع گرایی و دین داری»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۹، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۰۱-۱۲۵.

- اکبری، مجید و سیدمحمد حسینی، «ارزش شناسی در فلسفه ارسطو»، *آینه معرفت*، سال هفتم، ش ۲۰، پاییز ۱۳۸۸، ص ۹۵-۱۳۱.

- اکرامی، محمود، «ارزیابی نظام ارزش های اساتید و دانشجویان در دانشگاه شاهد»، *دانشور رفتار*، سال شانزدهم، ش ۳۹، زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۱-۴۴.

- ایمانی، محسن و محمداسماعیل بابایی، «ارزش شناسی فارابی و دلالت های آن در تربیت اخلاقی: با تأکید بر اهداف اصول و روش ها»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۸۱-۱۰۲.

- بهشتی، محمد، *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

- شریفی، احمدحسین، *همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۹۱.

- شیخی، شهرزاد، *بررسی رابطه نظام ارزش های معلم و نظام ارزش های دانش آموز در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی شهر شیراز*، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.

- قنبری، سیروس، یحیی معروفی و باور فاتحی، «مقایسه نظام ارزشی دبیران با دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی»، *اندیشه های نوین تربیتی*، دوره هفتم، ش ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۲۹-۴۸.

- لطف آبادی، حسین، «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، *نوآوری های آموزشی*، سال پنجم، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۱-۴۲.

- مارشال، ریو، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش، ۱۳۸۸.

- محمدخلیفه، عبدالطیف، *بررسی روان شناختی تحول ارزش ها*، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.

- مطهری، مرتضی، *انسان کامل*، تهران، صدرا، ۱۳۸۵.

- موسوی، مرضیه سادات و فاطمه سادات علمدار، «بررسی رابطه نوگرایی و دین داری: مطالعه در بین دختران جوان منتخب از مناطق ۱ و ۶ شهر تهران»، *زن و مطالعات خانواده*، سال اول، ش ۴، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۵۹-۱۸۸.

- نوربالا، احمدعلی و همکاران، «بررسی سلسله مراتب ارزش های دانشجویان دانشگاه شاهد طی سال های ۷۷ تا ۸۰»، *دانشور رفتار*، سال چهاردهم، ش ۲۲، بهار ۱۳۸۶، ص ۸۳-۱۰۸.

- نوروزی، فاطمه، «شکاف نسلی از لحاظ ارزش های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران مطالعه موردی دبیرستان های شهر جهرم»، *پیک نور*، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۰-۴۳.

- وثوقی، منصور و حسین اکبری، «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش ها: یک مطالعه تطبیقی»، *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری*، ش ۵۹، تابستان ۱۳۸۷، ص ۹۳-۱۲۸.

- Abdel-Fattah, Y, "Child Perception and Parental Care: Social Adjustment and Moral Values", *The Social Sciences Journal*, N. ۲۰ (۱۹۹۲), p. ۳-۴.

- Bilsky, W., & S. H. Schwartz, "Values and Personality", *European Journal of Personality*, N. ۳۰ (۱۹۹۴), p. ۱۶۳-۱۸۱.

- Dollinger, S.J., F. L. Leong & S. K. Vlicini, "On traits and Values: With Special Reference to Openness to Experience". *Journal of Research in Personality*, N. ۳۰ (۱۹۹۶), p. ۲۳-۴۱.

- Eccles, j.s. A. Wigfield, C. A. Flanagan & C. Miller, "Self-Concepts, Domain Values, and Self-Estemm: Relations and Changes at Early Adolescence", *Journal of Personality*, N. ۵۷ (۱۹۹۸), p. ۲۸۳-۳۱۰.

- Fishbein, M., I. Ajzen, *Belief, Attitude, Intention, and Behavior: an Introduction to theory and Research*, MA: Addison Wesley, ۱۹۷۵.

- Herringer, L.G, "Relating Values and Personality Traits", *Psychological Reports*, N. ۸۳ (۱۹۹۸), p. ۹۵۳-۹۵۴.

- Homer, P.M. & L. R. Kahle, "A Structural Equation test of the Value-Attitude-Behavior Hierarchy", *Personality Processes and Individual Differences*, N. ۵۴ (۱۹۸۸), p. ۶۳۸-۶۴۶.

- Hornby, A.S, Oxford Advanced learner Dictionary of Current English, Sally Wheezier Oxford University Press, ۲۰۰۵.

- Inglehart, R & C. F. "Scott, Value Change in Industrial Societies", *The American Political Science Review*, N. ۸۱ (۱۹۸۷), p. ۱۳۱۹-۱۲۸۹.

- Luk, C.L., & M. H. Bond, "Personality Variation and Values Endorsement in Chinese University Students", *Personality and Individual Differences*, N. ۱۴ (۱۹۹۳), p. ۴۲۹-۴۳۷.

- Madsen, K.B, *A History of Psychology in Meta-Scientific Perspective*, ۱۹۸۸.

- Oliver, M.J. & T. A. Mooradian, "Personality traits and Personal Values: a Conceptual and Empirical Integration", *Personality and Individual Differences*, N. ۳۵ (۲۰۰۳), p. ۱۰۹-۱۲۵.

- Parks, L., P. Russel, "Personality, Values, and Motivation", *Personality and Individual Differences*, N. ۴۷ (۲۰۰۹), p. ۶۷۵-۶۸۴.

- Roberts, B.W., & R. W. Robins, "Broad Disposition Broad Aspiration: the Intersection of Personality and Major life Goals", *Personality and Social Psychology Bulletin*, N. ۲۶ (۲۰۰۰), p. ۱۲۸۴-۱۲۹۶.
- Roccas, S., L. Sagiv, S. H. Schwartz & A. knato, "The Big Five Personality Factors and Personal Values", *Personality and Social Psychology Bulletin*, N. ۲۸ (۲۰۰۲), p. ۷۸۹-۸۰۱.
- Saroglou, V., V. Delpierre, R. Dernelle, "Values and Religiosity: A Meta-Analysis of Studies Using Schwartz Model", *Personality and Individual Differences*, N. ۳۷ (۲۰۰۴), p. ۷۲۱-۷۳۴.
- Schwartz, S.H, "A theory of Cultural Values and Some Implications for Work", *Applied Psychology: An International Review*, N. ۴۸ (۱۹۹۷), p. ۲۳-۴۷.
- Schwartz, S.H., "Universals in the Content and Structure of Values: theoretical Advances and Empirical Tests in ۲۰ Countries", *Advances in Experimental Social Psychology*, N. ۲۳ (۱۹۹۲), p. ۱-۶۵.
- Yik, M.S.M., & C. S. Tang, "Linking Personality and Values: the Importance of a Culturally Relevant Personality Scale", *Personality and Individual Differences*, N. ۲۱ (۱۹۹۶), p. ۷۶۴-۷۷۴.

